

ناکهان شعر



امیری فیروز کوهی

آزرده را جغای فلک، بیش می‌رسد
اول بلا به عاقبت اندیش می‌رسد
از هیچ آفریده ندارم شکایتی
بر من هر آن چه می‌رسد از خویش می‌رسد
چون لاله یک پیا له ز خوش است روزی ام
کان هم مرا داغ دل خویش می‌رسد
رنج غناست آن چه نصیب توانگر است
طبع غنی به مردم درویش می‌رسد
امروز نیز محنت فرداست روزی ام
آن بندام که روزم ز آن پیش می‌رسد



رهی معبیری

مارادلی بود که ز دنیای دیگر است
ماییم جای دیگر و او جای دیگر است
چشم جهانیان به تماشای رنگ و پوست
جز چشم دل که محو تماشای دیگر است
این نه صف ز گوهر آزادگی تهی است
و آن گوهر یگانه به دریای دیگر است
در ساغر طرب می‌اندیشه سوز نیست
تسکین ماز جرعه مینای دیگر است
امروزی می‌خوری غم فردا و همچنان
فردا به خاطر غم فردا بازگر است
گر خلق را بود سر سودای مال و جاه
آزاده مرد را سر و سودای دیگر است
دیشب دلم به جلوه مستانه‌ای ربود
امشب پی‌ربودن دل‌های دیگر است
غم‌خانه‌ای است وادی کون و مکان رهی
آسودگی اگر طلبی جای دیگر است



حافظ

ترسم که اشک در غم ما پرده‌ر شود
وین را ز سر به مهر به عالم ستر شود
گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
آری شود، ولیک به خون جگر شود
خواهم شدن به میکده گریان و دادخواه
کز دست غم خلاص من آن جاکگر شود
از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان
بشد کز آن میانه یکی کار گر شود
ای جان طاهر ما تر دلدار بازگو
لیکن چنان مگو که صبارا خبر شود
از کیمیای مهر تو ز گشت روی من
آری به یمن لطف شما خاک زر شود
در تنگنای حیرت‌م از نخوت رقیب
یار مباد آن که گدا معتبر شود
بس نکته غیر خسن نباید که تا کسی
مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود
این سر کشی که کنگره کاخ وصل راست
سر ها بر آستانه او خاک در شود
حافظ چو نافه سر ز لشف به دست تو ست
دم در کش را نه باد صبارا خبر شود



وحشی باققی

من آن مرغ که افکندم به دام صد بلا خود را
به یک پرواز بی‌هنگام کردم مبتلا خود را
نه دسنتی داشتم بر سر، نه پایی داشتم در گل
به دست خویش کردم این چنین بی‌دست و پا خود را
چنان از طرح وضع ناپسند خود گریزانم
که گر دستم دهد از خویش هم سازم جدا خود را
گر این وضع است می‌ترسم که با چندین وفاداری
شود لازم که پیشدم و انمایم بی وفا خود را
چو از اظهار عشقم رهبری بی‌گانه می‌داری
نمی‌بایست کرد اول به این حرف آشنا خود را
بین وحشی که در خواب حسرت ماند پا در گل
کسی کو بگذر اندی تشنه از آب بقا خود را

غلط نویسیم

توصیف

به معنای «وصف کردن». بعضی از ادبا به استناد این که این فعل در عربی به کار نرفته‌است، کاربرد آن را غلط می‌دانند و فعل وصف را به جای آن توصیه می‌کنند. اما توصیف نه تنها در یکی دو قرن پیش در فارسی متداول شده و در زبان نوشتار و گفتار کاملاً جا افتاده‌است، بلکه در زبان عربی هم آن را به کار می‌برند. بنابراین توصیف صحیح است و می‌توان آن را به کار برد.

خارا خاره

«نوعی سنگ که به‌ویژه در ساختمان به کار می‌رود». این دو واژه همگون اند و در جمله ارزش یکسان دارند و می‌توانند جانشین یکدیگر شوند.

بر گرفته از کتاب «غلط نویسیم» ابو الحسن نجفی

فیلم‌های اقتباسی سیمرغ چهل و یکم

در جشنواره فیلم فجر امسال، کدام فیلم‌ها بر اساس کتاب یا ماجرای واقعی ساخته شده‌اند؟



الهه آرانیان

culture@khorasannews.com

گفته‌است: «من برای نوشتن فیلم‌نامه «غریب» می‌توانستم جداگانه تحقیق کنم، اما بعد از مواجهه با کتاب «محمد؛ مسیح کردستان» نوشته نصر تا... محمودزاده احساس کردم درون این کتاب چیزی است که می‌توانم به یک فیلم تبدیلش کنم. در نهایت با گفت‌وگو با نویسنده کتاب به تفاهم رسیدیم. ما همه توان خود را می‌گذاریم تا در حد بضاعت اثری در خور آماده شود. همه سعی ام این است که وقتی نویسنده کتاب، فیلم را می‌بیند، احساس لذت از آن داشته باشد. ولی این که «غریب» موفق خواهد بود یا نه مثل یک هندوانه در بسته است. وقتی بهروز افخمی کتاب «گاوخونی» جعفر مدرس صادقی را تبدیل به فیلم کرد، ما که آن کتاب را دوست داشتیم، چندان فیلم را دوست نداشتیم؛ اما همین بهروز افخمی کتاب «آذر، شهذخت، پرویز و دیگران» مرجان شیرحمیدی را هم اقتباس می‌کند که در نوع خودش، اثر موفقی است.»

■ اقتباس از یک پرونده جنایی

در «پرونده باز است»

«پرونده باز است» یکی دیگر از فیلم‌های حاضر در بخش سودای سیمرغ جشنواره چهل و یکم فیلم فجر به کارگردانی کیومرث پوراحمد است؛ چهره‌آشنای سینما و تلویزیون ایران که بیشتر ما او را با «قصه‌های مجید» می‌شناسیم؛ اثری که اقتباسی موفق از نوشته هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده نامدار کشورمان است. پورا احمد امسال با «پرونده باز است» به سراغ اقتباس از یک ماجرای جنایی رفته و پرونده بهنود شجاعی، جوانی را که در ۱۷ سالگی مرتکب قتل شد، به تصویر کشیده است. بهنود در ۲۷ مرداد ۸۴ در یکی از پارک‌های تهران، جوانی به نام احسان نصر اللهی را با ضربات چاقو به قتل رساند و در نهایت با وجود تلاش واحد صلح و سازش دادسرای

جنایی تهران، در ۱۹ مهر ۸۸ به دار آویخته شد. حکم قصاص بهنود شجاعی بارها به تعویق افتاد و یک بار در سال ۸۷ جمعی از سینماگران که کیومرث پوراحمد هم در میان شان بود، برای جمع‌آوری دیه مقتول فراخوان دادند که باز پرس جنایی تهران آن‌ها را به دادسرا احضار کرد. باید منتظر ماند و دید کیومرث پوراحمد در فیلم «پرونده باز است» از چه زاویه‌ای به ماجرای بهنود شجاعی و قصاص او پرداخته است و آیا در جذب مخاطب موفق خواهد بود یا نه؟

■ «اتاقک گلی»، روایتگر یک اتفاق واقعی در جنگ

از دیگر فیلم‌های حاضر در بخش رقابتی چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر، اثر سینمایی «اتاقک گلی» به کارگردانی محمد عسکری و تهیه‌کنندگی داوود صبور است. داستان این فیلم برگرفته از رویدادی است که برای تهیه‌کننده فیلم اتفاق افتاده‌است. «اتاقک گلی» نجات‌یک دختر کرد از دست منافقان را روایت می‌کند و داوود صبور یکی از همان رزمندگانهای لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) است که برای نجات این دختر وارد عملیات می‌شود. حالا این اتفاق دست‌مایه ساخت فیلم سینمایی «اتاقک گلی» شده‌است. داوود صبور، تهیه‌کننده دربارۀ ماجرای فیلم می‌گوید: «این فیلم مربوط به عملیات مرصاد در سال ۶۷ و حمله منافقان به کشورمان و حضور لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) در سه‌راه اسلام‌آباد و منهدم کردن ادوات جنگی است. در عملیات مرصاد یک دسته از رزمندگان لشکر ۲۷ برای حفاظت از خانواده‌های ساکن در روستای شیان غارم این منطقه می‌شوند که در نهایت تعدادی از رزمندگان لشکر

در حفاظت از روستا به شهادت می‌رسند و اهالی سالم می‌مانند.»

■ «های پاور»، برگرفته از زندگی ۲ قهرمان

اقتباس سینمایی از زندگی قهرمانان ملی، یکی از جذاب‌ترین انواع اقتباس است. یکی از فیلم‌های حاضر در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر در سال ۹۹، فیلم سینمایی «منصور» ساخته سیاوش سمردی بود که در آبان ماه ۱۴۰۰ هم اگران عمومی شد. این فیلم بخشی از زندگی شهید منصور ستاری، سرلشکر نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را روایت می‌کند. امسال هم در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر یک کارگردان فیلم اولی به نام هادی محمدپور از زاویه‌ای دیگر به زندگی شهید منصور ستاری و نیز شهید عباس بابایی پرداخته‌است. داستان این فیلم به افتخارات عملیات والفجر ۸ و سرنگونی ۷۸ جنگنده دشمن می‌پردازد. هادی محمدپور، کارگردان «های پاور» در باره فیلم گفته است: «این فیلم که برای اولین بار



او آرزو نداشت نویسنده شود!

نگاهی به کتاب «جزء از کل» اثر «استیو تولتز» که جایزه بوکر را از آن خود کرده و اکنون در ردیف یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های تاریخ استرالیاساخته می‌شود

«صدسال تنهایی» گفته‌است: «اگر حقیقت داشته باشد که می‌گویند رمان مرده‌باد حال مردن است پس در این صورت باید همگی از جا بلند شویم و به این آخرین رمان (صدسال تنهایی) سلام بگوییم». اما بعدها نویسنده‌گانی آمدند که با نوشتن داستان‌های بلند و در خور توجه، این نظریه را نقض کردند. یکی از این نویسندگان «استیو تولتز» استرالیایی است که با نوشتن رمان درخشان «جزء از کل» ثابت کرد هنوز هم می‌شود به خواندن داستان‌های بلند امیدوار بود.



حیدر کاسبی

culture@khorasannews.com

«هیچ وقت نمی‌شنوید و روزشکاری در حادثه‌ای فجیع جس بیوایی‌اش را از دست بدهد. اگر کائنات تصمیم بگیرد در سی در دنا که به ما انسان‌ها بدهد که البته این درس هم به هیچ در زندگی آینده‌مان نخورد مثل روز، روشن است که روزشکار باید پیش را از دست بدهد، فیلسوف عقلش، نقاش چشمش، آهنگ ساز گوشش و آشپز بانش. درس من؟ من رهایی‌ام را از دست دادم...». شاید همین چند سطر ابتدایی بتواند همه چیز را درباره کیفیت متن یک کتاب بگوید. این‌ها سطرهایی از رمان مشهور «جزء از کل است»، رمانی که توسط «استیو تولتز» استرالیایی در سال ۲۰۰۸ نوشته شد و برای این نویسنده شهرتی جهانی را به همراه داشت. شاید کمتر کسی باور می‌کرد که یک نویسنده با اولین اثرش به این حد شهرت دست پیدا کند.

■ سلام دوباره جهان بهرمان نویسی

برخی از منتقدان مانند «ناتالیا جینزبورگ» نویسنده مشهور ایتالیایی، بر این عقیده بودند که رمان نویسی در روزگار ما، بعد از زمان «صدسال تنهایی» اثر مارکز به پایان عمر خود رسیده و به عبارتی روشن‌تر مرده‌است؛ حتی جینزبورگ در توصیف رمان

تا آن جا که منتقدان

و نشریات زیادی به تحسین آن پرداخته‌اند. «وال استریت ژورنال» درباره این کتاب نوشته است: «جایگاه جزء از کل، در کنار رمان اتحادیه ابلهان است، داستانی که انگار و لئو ترونه کات می‌نویسد: «شما تمام عمرتان فرصت دارید که آن را به یکی از فن‌ها و شاید بشود گفت سبک نویسنده کی «تولتز» تبدیل کرده‌است. علاوه بر طنز تلخ و به قولی کم‌دی سیاه و جذابی که در داستان نهفته‌است نوعی اقتدار گریزی هم در کل داستان جریان دارد که قهرمان داستان از ابتدا تا انتها آن را به همراه دارد. این کتاب را می‌توان به نوعی بیوگرافی خود نویسنده هم دانست که

■ طنز تلخ تولتز

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کتاب، طنز تلخی است که در سراسر داستان موج می‌زند که آن را به یکی از فن‌ها و شاید بشود گفت سبک نویسنده کی «تولتز» تبدیل کرده‌است. علاوه بر طنز تلخ و به قولی کم‌دی سیاه و جذابی که در داستان نهفته‌است نوعی اقتدار گریزی هم در کل داستان جریان دارد که قهرمان داستان از ابتدا تا انتها آن را به همراه دارد. این کتاب را می‌توان به نوعی بیوگرافی خود نویسنده هم دانست که



در سال ۲۰۰۸ در سیدنی استرالیامنتشر شده، «ریگ روان» و «هرچه بادا باد» از دیگر آثار این نویسنده‌است.

■ از نگرهانی تا نویسندگی

تولتز، مشاغلی از جمله عکاسی، فروشنده‌گی، نگهبانی، کارآگاهی، معلم زبان و فیلم‌نامه‌نویسی را تجربه کرده و نوشتن رمان برایش در درجه چندم اهمیت بوده است. تولتز در جایی گفته است که به‌مادآوری می‌کند ادبیات تاچه‌حدمی‌تواند خوب باشد. این اثر، یکی از بهترین کتاب‌هایی است که در زندگی خوانده‌ام.»

اخبار فجر

دستور وزیر برای پیگیری ماجرای توهین به اهالی موسیقی



در حالی که کمتر از ۲۰ روز به برپایی جشنواره موسیقی فجر باقی مانده، به نظر می‌رسد این جشنواره توسط دبیر خود با حاشیه جدیدی مواجه شده است. به گزارش ایسنا، دبیر هنری سی و هشتمین جشنواره موسیقی فجر در آستانه برگزاری این جشنواره و دروازش به انتشار ویدئویی از اظهارات علی اکبر رائفی‌پور که حاوی لفظی ناشایست و رکیک درباره هنرمندان موسیقی است، ادامه همکاری با جشنواره را به عذرخواهی رسمی او از اهالی موسیقی منوط کرد؛ ویدئویی که ظاهر فرد سخنرانی‌کننده در آن هم بیانگر قدمت چند ساله آن است. بهزاد عبدی، آهنگ‌ساز، رهبر ارکستر و دبیر هنری سی و هشتمین جشنواره موسیقی فجر - این ویدئو را در صفحه شخصی خود بازنشر داد و سپس اعلام کرد، «در صورتی که ایشان به طور رسمی از هنرمندان موسیقی این کشور عذرخواهی نکنند، دیگر هیچ مسئولیتی را برای موسیقی عزیز کشورم قبول نخواهم کرد و استعفاي خود را از این مسئولیت اعلام می‌دارم». در ادامه این اتفاق که در آستانه برپایی جشنواره موسیقی فجر صورت گرفته و البته پرسش‌ها و گمانه‌هایی را درباره علت آن در ذهن مخاطب ایجاد کرده‌است، اعلام شد که سه عضو شورای هنری ارکستر ملی ایران با انتشار متنی خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به این اظهارات درباره موسیقی واکنش نشان دادند. اتفاقا یکی از امضاکنندگان این بیانیه هم بهزاد عبدی- دبیر جشنواره موسیقی فجر- به همراه علی رحیمیان و امیر بکان بود. در متن این نامه از امیدواری شده است، باورود و پیگیری وزیر به این موضوع، مقدمات عذرخواهی رسمی و کتبی فرد مدنظر، از اهالی شریف و نجیب موسیقی، مهیا شود. در بخشی از این نامه همچنین آمده که «این آزمون خوبی خواهد بود، در این شرایط صعب و سخت که متوالی اصلی فرهنگ و هنر، چه میزان، مدافع و یاریگر مجموعه تحت مسئولیت خود است، هنرمندانی که سال‌های متمادی با همه نامالایمات و توهین‌ها، صادقانه و خالصانه کار کرده‌اند و چراغ موسیقی کشور را زنده نگه داشته‌اند. این مطالبه به حق، آزمونی است برای سنگربانان کنونی فرهنگ و هنر، باشد که سرفراز بیرون آیند». همچنین به گزارش خبرگزاری ایرنا، در پی انتشار ویدئویی در فضای مجازی با محتوای «توهین به هنرمندان حوزه موسیقی»، وزیر فرهنگ و ارشاد خطاب به اداره کل حقوقی این وزارتخانه دستور پیگیری ویژه را در این باره صادر کرد. اسماعیلی در این خصوص گفت: وزارت فرهنگ هیچ توهینی را به جامعه هنری نجیب ایران بر نمی‌تابد.

ادبی

شکایت رئیس مافیا از نویسنده ایتالیایی



یکی از تبهکاران بزرگ سیسیل از دادگاه خواسته تا دستور توقیف تمام نسخه‌های کتاب نوشته «روبرتو سواپانو» را صادر کند. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «جو پز گروایانو» که در حال گذراندن حبس ابد در زندانی با حداکثر امنیت است، هفته گذشته شکایتی علیه «روبرتو سواپانو» نویسنده کتاب‌هایی از جمله «گومورا» و «تنهایی شجاعت است» به اتهام افتر مطرح کرده است. «گروایانو» در سندی که خطاب به دادستانی ترنتو نوشته شده است، ادعا می‌کند کتاب «تنهایی شجاعت است» (که در سال زندگی قاضی جیووانی فالکونه است که به بار ۱۹۹۲ توسط مافیا کشته شد) حاوی مطالب نادرستی درباره او، به‌ویژه درباره نام مستعارش است. «گروایانو» از دادگاه‌ترنتوخواسته تا تمام نسخه‌های این کتاب را از کتاب‌فروشی‌های ایتالیا جمع‌آوری کند. «روبرتو سواپانو» نویسنده این آثار در باره این گفت: «درخواست «گروایانو» دلیلی بر این است که قدرت ارباب‌مافیاهر گزین نمی‌یابد. اگر چه ممکن است عجیب به نظر برسد، اما باش از این که کسی درباره آن‌ها بنویسد نمی‌ترسد، بلکه از نخونوشتن درباره آن‌ها می‌ترسد». از سال ۲۰۰۶ ویس از انتشار کتاب «گومورا» که اسرار مافیای ناپل را فاش کرد، «روبرتو سواپانو» به صورت مخفی زندگی می‌کند و تنها تحت حفاظت پلیس در انتظار عمومی ظاهر می‌شود.